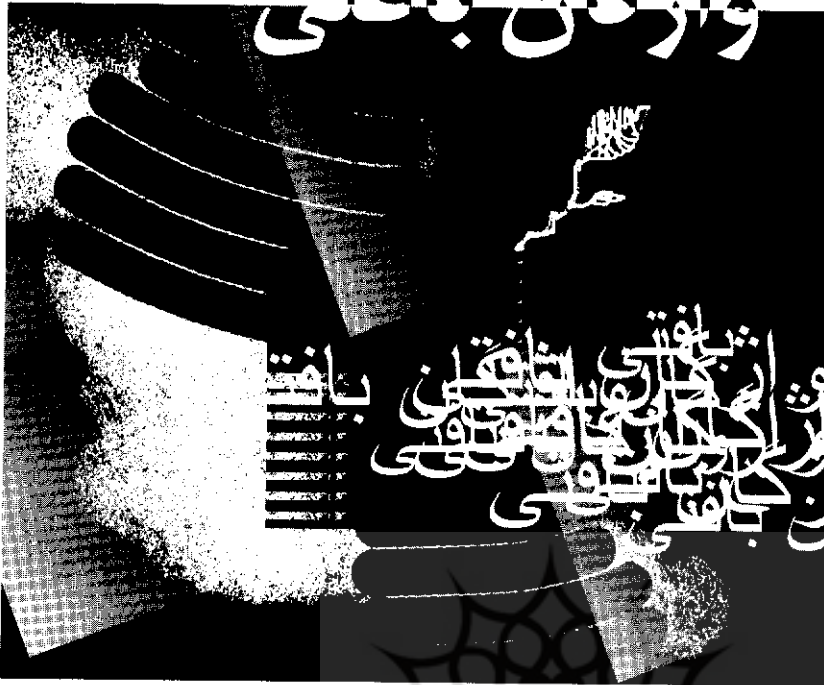


واژگان بافتی



منصور رحیمی فر

کارشناس ارشد رشته‌ی زبان شناسی
از دانشگاه اصفهان

کلیدواژه‌ها:

واژگان بافتی، با خلق الساعه
نواژه‌ها، نام‌گذاری، اشتقاقی، شمار
نام‌نشده‌ی، زیاننده و...

مقدمه

منظور از واژگان بافتی یا خلق الساعه چیست؟ آیا واژگان بافتی با نواژه‌ها یکی هستند؟ توری نام‌گذاری اشتقاقی بر چه اساسی پایه‌ریزی شده است و آیا فرایند ساخت واژگان بافتی در چارچوب این نظریه قابل توصیف هستند و بالاخره آیا واژگان بافتی در زبان فارسی نهادینه می‌شوند؟ این‌ها سؤالاتی هستند که نگارنده قصد دارد در این بحث به آن‌ها بپردازد. این مقاله چکیده‌ای از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان‌شناسی تحت عنوان «توصیف فرایند واژگان بافتی در زبان فارسی» است که در تاریخ سوم مرداد هشتاد و سه در دانشگاه اصفهان دفاع شد.

بیان مسئله‌ی پژوهش

همان‌طور که یک دستورنویس جمله‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که بر اساس اصول نحو ساخته شده باشند صرف نظر از این‌که در زبان به صورت

چکیده

در این مقاله که چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی نویسنده است، سعی شده واژگان بافتی یا موقتی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و تفاوت آن‌ها که تولیدی ناآگاهانه و عامیانه دارند با «نواژه‌ها» که آگاهانه تولید می‌شوند و ماندگارترند تشریح شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قرار می‌گیرند. باول اشتاکر یکی از اولین زبان‌شناسان است که در زمینه‌ی واژه‌سازی بافتی یا موقتی در زبان انگلیسی کار کرده است. وی اعتقاد دارد هنگام به وجود آمدن یک واژه‌ی «نام‌گذاری» در ذهن زیانمند، پنج مرحله اتفاق می‌افتد:

- ۱- تجزیه و تحلیل مفهوم، ۲- سطح معنایی، ۳- نام‌گذاری در سطح انتزاعی، ۴- نام‌گذاری در سطح واقعی، (انتخاب واژک‌ها)، ۵- سطح واژکی

در زبان فارسی تا آن‌جا که نگارنده تحقیق کرده است هیچ مقاله یا کتابی در مورد واژگان موقتی یا بافتی منتشر نشده است به طوری که برای یافتن معادل فارسی برای *Noce - formation*

واقعی مورد استفاده عموم زیانمندان قرار گیرد یا خیر، یک لغت‌شناس نیز نباید صرفاً به بررسی و تجزیه و تحلیل واژگانی بپردازد که در زبان موجود و توسط عموم گویشوران مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه واژگانی هم موجود هست یا بالبداهه ساخته می‌شوند که امکان دارد در سیستم زبان وارد نشوند و سخنوران فقط یک بار در موقعیت‌های خاص آن‌ها را به کار برند که ما آن‌ها را واژه‌های بافتی، موقتی یا خلق الساعه می‌نامیم. توانایی تولید این دسته از واژگان در توانش زیانمند هست و احتمالاً ممکن است در کنش او به چشم بخورد. واژه‌های بافتی یا موقتی ابتدا در سطح سیستم زبان به وجود می‌آیند و سپس در گفتار مورد استفاده

فرهنگ‌های موجود زبان‌شناسی انگلیسی به فارسی کمی نگردد. بنا به اذعان بسیاری از استادان زبان‌شناسی و زبان‌انگلیسی، این اولین مقاله (پایان‌نامه) در ارتباط با واژگان موقتی یا بافتی در زبان فارسی به شمار می‌رود.

برای واژه‌های موقتی یا بافتی تعریف‌های متعدد ارائه شده است. از جمله اشتاگر (۲۹ / ص ۹۸) می‌گوید: «واژه‌های موقتی یا خلق‌الساعه کلمات جدید و واحدهای توصیفی گفتار هستند، که با پیروی از اصول و قواعد واژه‌سازی اختراع می‌شوند، و همانند هر واحد نام‌گذاری دیگر در مجموعه واژگان زبان قرار می‌گیرند». در میان جامعه‌ی فارسی زبان زمانی نه چندان دور از صورت زبانی «ساندویچ» برای سرعت‌گیرهای تعبیه شده توسط شهرداری در خیابان‌ها استفاده می‌شد. عبارت «تابلو مازیکی» برای وایت‌برد توسط برخی کودکان شنیده می‌شود. نگارنده خود زمانی ترکیب «منطقانه» را از یک سخنران استماع کرد. نمونه‌ی دیگر کاربرد واحدهای زبانی «زرد» برای نوشابه‌های زردرنگ که سابقاً کانادا دارای نامیده می‌شد و «سیاه» برای نوشابه‌های سیاه‌رنگ (پسی).

اهمیت و ضرورت پژوهش

در بررسی پدیده‌های اجتماعی و طبیعی به کم‌تر پدیده‌ای برخورد می‌کنیم که به اندازه‌ی زبان انعطاف‌پذیر و تحول‌طلب باشد. کشانی (۱۵ / ص ۷) بر این باور است که زبان مانند هر پدیده‌ی اجتماعی دیگر در حال تحول است و بر اساس قوانینی که پیش‌تر آن‌ها بر ما پوشیده است خود را با تحولات زمان هم‌سور هماهنگ می‌کند و به سرعت بافت بیرونی یعنی واژگان و بافت دورنی یعنی ساختار خود را متحول می‌کند تا با تغییرات پیش‌آمده در سایر پدیده‌ها خود را هماهنگ سازد.

در این میان، به وجود آمدن واژگان جدید بافتی یا موقتی در زبان، تحولی است که هیچ‌کس منکر آن نیست. گاهی هم گام با تحولات اجتماعی و طبیعی و پیشرفت تکنولوژی، مراکز رسمی و دانشمندان در نهادهای معینی گردهم می‌آیند و بر اساس اصول و قواعد ساخت واژه به اختراع واژگان جدید برای معادل‌یابی می‌پردازند که ما این دسته از واژگان را نوواژه می‌نامیم و زمانی اختراع واژگان، نه صرفاً توسط متخصصان زبان بلکه توسط توده‌ی اجتماع زبانی، که بعضاً از اصول زبان‌شناسی هم هیچ اطلاعی ندارند، صورت می‌گیرد. این دسته از واژگان چنانچه بالبداهه و ناآگاهانه اختراع شوند واژگان بافتی یا موقتی هستند.

ساخت نوواژه‌ها و واژه‌های بافتی یا موقتی در زبان فارسی و البته در کلیه‌ی زبان‌ها توسط هر فرد یا گروهی که صورت گیرد، نشان از این واقعیت دارد که زبان از نیروی زبانی بسیار برخوردار است و اختراع چنین واژگانی به غنا و توانمندی زبان کمک می‌کند.

این واژگان از رهگذر دگرگونی در ساخت‌های گوناگون زندگی امروزی پدید آمده و در گفتار و نوشتار خود را نشان می‌دهند. اگر روزگاری ترکیب کنایی «آب‌ها از آسیاب افتاد» ساخته شده است قطعاً نشئت گرفته از محیطی بوده که آب و آسیاب و رابطه آن‌ها با هم آن‌چنان آشکار بوده است که برای فهم آن هیچ نیازی به توضیح درباره‌ی عناصر موجود در آن نبوده است. هم‌چنان که امروز در عصر اینترنت و کامپیوتر ترکیب‌های کنایی «فایلش بسته شده»، «روی کسی کلیک کردن» و «به عرش ایمیل زدن» برگرفته از محیطی است که در آن به سر می‌بریم. بنابراین از آن‌جا که زبان حاصل نوعی تعامل مابین گوینده و شنونده است و زمانی این ارتباط معنی و مفهوم پیدا می‌کند که طرفین یکدیگر را درک نمایند، قطعاً واژه‌های

«خلق‌الساعه» و یا «نوواژه‌ها» توسط زبانمندان به کار گرفته می‌شوند، ارتباط حاصل می‌شود. از سوی دیگر به واسطه‌ی این که زبان یک پدیده‌ی تحول‌گراست و به ویژه در زمینه‌ی واژه‌سازی به سبب ایجاد زمینه‌های کاری جدید و توسعه‌ی تکنولوژی به خصوص در ارتباطات دائمی واژه‌های جدیدی به آن افزوده می‌شود، زبانمندان به ویژه صاحبان قلم و کلام با هدف حفظ غنای واژگانی سیستم زبان، باید به فرآیندهای تولید واژگان جدید و تئوری‌های مربوط به آن آگاهی داشته باشند. حال، که دانش زبان‌شناسی قلمرو خود را بیش از پیش به جنبه‌های گوناگون زندگی بشری گسترش داده است، آگاهی از آخرین یافته‌های این دانش با ارزش و مطابقه و تعمیم آن به زبان فارسی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از سوی دیگر نگارنده بر این باور است که در فرآیند واژه‌سازی موقتی یا بافتی و ساخت نوواژه‌ها، اغلب واژه‌های اختراع شده جزو سیستم زبان استاندارد به حساب آمده و به غنای آن می‌افزاید، لذا مطالعه و توصیف آن ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف پژوهش

این پژوهش یک هدف اصلی و دو هدف فرعی را دنبال می‌کند. هدف اصلی این تحقیق عبارت است از معرفی و تجزیه و تحلیل واژگان موقتی یا بافتی در زبان فارسی و هدف‌های فرعی آن بررسی تفاوت بین فرآیندهای تولید «واژه‌ها» و «واژگان بافتی» و هم‌چنین بررسی و معرفی «تئوری نام‌گذاری اشتقاقی» و «میزان انطباق آن با واژگان بافتی در زبان فارسی» است.

روش تحقیق و گردآوری

در حوزه‌ی زبان‌شناسی تحقیق فرآیندی است که طی آن یک جنبه از جنبه‌های متفاوت زبان اصولی، برنامهنویسی، زبان،

معناشناسی، آواشناسی، ساخت واژه و غیره مورد بررسی قرار می‌گیرد و مسأله‌ای مطرح و پاسخی برای آن یافت می‌گردد.

انتخاب روش تحقیق بستگی به هدف‌ها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات موجود دارد و در این پژوهش نگارنده، براساس تئوری نام‌گذاری اشتقاقی، روش تحقیق خود را بنا نهاده است و در چارچوب این نظریه داده‌هایی را که از طریق مطالعه‌ی متون داستانی، ضبط مکالمات رادیویی و تلویزیونی و مصاحبه با دانش‌آموزان و دانشجویان به دست آورده است در جدولی تنظیم نموده و آن‌ها را به لحاظ داشتن یا نداشتن پایه‌ی نام‌گذاری، نشانه‌گذاری و تعیین رابطه‌ی معنایی مورد بررسی قرار داده است. برای آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش، مبنی بر نهادینه شدن واژگان بافتی در سیستم زبان با بقا و ماندگاری این واژگان، از معیارهای زیر استفاده شده است.

الف: براساس نظریه‌ی چامسکی (۲۱/ص ۲۹) اهل زبان دانش ناخودآگاه دارند که صورت‌های خوش ساخت را از صورت‌های بد ساخت تشخیص می‌دهند، بنابراین بر اساس شم‌زبانی، واژگانی که صورت‌های خوش ساخت دارند، شانس بقا و ماندگاری بیش‌تری دارند.

ب: بر طبق گفته‌ی طباطبایی (۱۲/ص ۱۲) «نیاز» و «نام‌پذیری» دو عامل مهم برای واژه‌گزینی هستند، لذا چنانچه این دو عامل در مورد واژگان بافتی موجود باشد، واژه یا واژگان خلق شده در زبان نهادینه می‌شوند.

ج: براساس معیارهایی که سپتا (۹/ص ۲۶۶) در مورد بقا و ماندگاری واژگان ارائه کرده است سازگاری واژگان از نظر آوایی با هنجار آوایی زبان فارسی از یک سو و هماهنگی آن‌ها با عوامل زیر

رتجیزی، یعنی آهنگ و تکبیه و کلام زبان فارسی، سبب ماندگاری واژگان در زبان می‌شوند، لذا این عوامل هم در مورد واژگان بافتی مدنظر قرار می‌گیرند.

د: واژگان موقتی یا بافتی که بنا به قیاس به لحاظ آوایی و معنایی با واژگان موجود در زبان فارسی ساخته شوند امکان بقا و ماندگاری بیش‌تری دارند.

برای آزمون فرضیه‌ی دوم، که اشعار دارد به این که فرآیند واژه‌سازی موقتی در قالب نظریه‌ی نام‌گذاری قابل توصیف است، جدولی براساس مدل نام‌گذاری تهیه کرده‌ایم که براساس آن هر واحد نام‌گذاری از سه بخش تشکیل شده است: پایه‌ی نام‌گذاری، نشانه‌ی نام‌گذاری و رابطه معنایی بین آن‌دو. در این جدول واژگان بافتی را اعم از مشتق، بسیط و مرکب در جدول گنجانده و تحلیل نموده‌ایم. البته براساس مدل یاد شده، تنها کلمات مشتق قابل تحلیل هستند لکن با این ابتکار که مدل را بسط داده‌ایم واژگان مرکب و بسیط هم قابل توصیف شده‌اند. به این ترتیب نظریه‌ی نام‌برده بسط و گسترش یافته است. در این پژوهش از تکنیک‌های زبان‌شناختی و اصول و قواعد ساخت واژی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها
در این قسمت، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، آن‌ها را براساس حروف الفبایی یک جدول پنج قسمتی تنظیم می‌کنیم و پایه‌ی نام‌گذاری، نشانه‌ی نام‌گذاری و رابطه معنایی هر یک را با توجه به معنایی که در بافت کلام از آن استنباط می‌گردد، ارائه می‌دهیم:

تحلیل صورت‌های بافتی بر اساس تئوری نام‌گذاری
همان‌طور که اشاره کردیم براساس

تئوری نام‌گذاری یا اتوماسیولوژی
واژه‌سازی، یک ریتمند ضمن نام‌گذاری، سه عمل فکری انجام می‌دهد:
الف: پایه‌ی نام‌گذاری را تعیین می‌نماید.
پایه نام‌گذاری عنصری است که واژه را به یک مقوله‌ی دستوری ربط می‌دهد.

ب: نشانه‌ی نام‌گذاری را به کمک قیاس با شیئی یا پدیده‌ای که خود دارای نام است به دست می‌آورد. نشانه‌ی نام‌گذاری، هسته‌ی معنایی واژه یا صورت بافتی است. این نشانه بسیط یا مرکب است.

ج: نوع رابطه را، میان آن‌چه نیازمند نام است با شیء یا پدیده‌ی قیاس شده، تعیین می‌نماید. این رابطه‌ی معنایی است که از پیوند پایه‌ی نام‌گذاری و نشانه‌ی نام‌گذاری به دست می‌آید. جهت تجزیه و تحلیل و بررسی صورت‌های بافتی ارائه شده در جدول فوق، با توجه به ویژگی‌های مشترک موجود، آن‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کنیم:

الف: صورت‌های بافتی مشتق
این صورت‌ها که دقیقاً با اصول تئوری اتوماسیولوژی واژه‌سازی منطبق هستند، جملگی دارای پایه، نشانه و رابطه معنایی هستند. این دسته از واژگان عبارت‌اند از: «آموزشی، افغانی، بچه‌های آب نمکی، تابلوماژیکی، حال‌گیری، دودره‌باز، رکورددار، گوشت‌کوب، مذهب‌مدار، منطقانه، نامستحکم، آویزان، با کلاس و عمراً».

بکنه‌ی بسیار مهم در مورد واژگان یاد شده این است که تعداد زیادی از آن‌ها با آن‌که از نظر صورت و تلفظ واژگان قبلی موجود در زبان یکسان هستند، هنگام استفاده به عنوان واژگان بافتی یا موقتی، معنای آن‌ها کاملاً متفاوت بوده و واژه‌ها صورت جدیدی

ردیف	صورت‌های بافتی	پایه نام‌گذاری	نشانه نام‌گذاری	رابطه نام‌گذاری
۱	آموزشی	ی	آموزش	فیلم غیر اخلاقی ویدئویی
۲	افغانی	ی	افغان	کسی که منزوی و گوشه‌گیر است
۳	اند	∅	اند	نهایت و منتهی چیزی یا کاری بودن
۴	بچه‌های آب نمکی	ی	بچه‌های آب نمک	افراد ضعیف و بی‌رمق
۵	بریف	∅	بریف	بدون مشکل، ردیف ردیف، مهیا آماده
۶	تابلو مازیکی	ی	تابلو مازیکی	تابلو وایت برد
۷	حال گیری	ی	حال گیر	باعث از بین رفتن شادی و نشاط دیگران شدن
۸	خالی بند	بند	خالی	فردی که ادعاهای نادرست دارد؛ دروغگو
۹	خرمچک	∅	خرمچک	انسان کودن و سبک عقل
۱۰	خفن	∅	خفن	صفتی برای بیان شدت عمل؛ بسیار زیاد
۱۱	دو دره باز	باز	دو دره	آدم ریاکار؛ کسی که دیگران را بلا تکلیف می‌گذارد
۱۲	رکوردار	دار	رکوردر	برنده؛ کسی که در کارها از دیگران پیشی می‌گیرد
۱۳	زرد	∅	زرد	نامی موقتی برای نوشابه‌های زرد رنگ به ویژه کاناداری
۱۴	زغوندر	∅	زغوندر	صفتی توهین آمیز برای شخصی مخاطب، معادل «زهرمار»
۱۵	ساندویج	∅	ساندویج	سرعت گیرهای تعبیه شده در خیابان‌ها توسط شهرداری
۱۶	سفید	∅	سفید	نامی برای نوشابه‌های بی‌رنگ
۱۷	سیاه	∅	سیاه	نامی موقتی برای نوشابه‌های سیاه رنگ به ویژه پیسی
۱۸	کمپوت	کمپوت	کمپوت	آدم بی‌عرضه و بی‌لیاقت
۱۹	کویر	-	کویر	نایاب و غیر قابل دسترسی، دست نیافتنی
۲۰	گوشت کوب	کوب	گوشت	نامی من در آوردی برای تلفن همراه
۲۱	لوستر	∅	لوستر	کسی که به دیگران آویزان می‌شود؛ کنه، سریش
۲۲	مذهب مدار	مدار	مذهب	شخصی معتقد به مذهب؛ مذهبی
۲۳	منطقانه	انه	منطق	به روش منطقی، مستدل
۲۴	نامستحکم	نا	مستحکم	بدون استحکام سست و بی‌بنیاد
۲۵	نخود مغز	∅	نخود مغز	انسان کم عقل و بی‌خرد

جمله‌ی دوم همان واژه، در معنای شخصی منزوی و گوشه‌گیر، آمده است. هم چنین در کلمه‌ی آویزان رفتی به عنوان یک واژه‌ی بافتی مورد استفاده قرار گیرد معنا کاملاً متفاوت می‌شود، این تفاوت با توجه به دو مثال زیر کاملاً مشهود است:

۱- لباس‌ها را شست و روی بند آویزان کرد.
 ۲- به من آویزان شده و به هیچ وجه دست بر نمی‌دارد.

برخی واژگان بافتی مشتق، در مفهوم استعاری توسط زبانمندان مورد استفاده قرار می‌گیرند، برای مثال صورت «بچه‌های آب نمکی» در مفهوم افراد ضعیف و بی‌بنیه به کار می‌رود ولی گروهی دیگر از واژگان مشتق بافتی که بر اساس قواعد ساخت واژه‌ی ساخته شده‌اند معنای کاملاً متفاوتی از اصل کلمه به دست نمی‌دهند، بلکه با توجه به «وند» به کار رفته در آن‌ها مقوله‌ی دستوری متفاوتی کسب می‌کنند. صورت‌های «منطقانه»، «رکوردار»، «دو دره باز»، «تابلو مازیکی»، «حال گیری»، «عمر آ»، «مذهب مدار»، «منطقانه» و «باکلاس» از آن جمله‌اند.

ب: صورت‌های بافتی که در آن‌ها علاوه بر معنا مقوله‌ی دستوری نیز تغییر می‌کند.

در گروهی از صورت‌های بافتی گسترش معنایی به همراه تغییر مقوله‌ی دستوری مشاهده می‌شود، مثلاً واژگان، «زرد»، «سیاه»، «سفید»، در بافت معمولی گفتاری یا نوشتاری در مفهوم رنگ‌هایی استفاده می‌شوند که مقوله‌ی دستوری آن‌ها صفت است؛ برای مثال در جمله‌ی «مریم پیراهن سفیدی خرید». واژه‌ی سفید در نقش صفت به کار رفته است اما همین واژه زمانی که در بافت معینی توسط زبانمندان مورد استفاده قرار می‌گیرد، جایی که فراموش می‌کند کلمه‌ی

معنایی در برخی دیگر از واژگان بافتی نیز به چشم می‌خورد.

به دو کاربرد واژه‌ی افغانی در دو بافت کلامی زیر توجه کنید:

- ۱- دو کارگر افغانی مشغول حفر کانال هستند
 - ۲- «رضوان افغانی» اصلاً یا آدم نمی‌جوشه»
- در جمله‌ی نخست «افغانی» به معنای شخصی که ملیت افغانی دارد و اهل کشور افغانستان است مطرح می‌شود، ولی در

به حساب می‌آیند. مثلاً واژه‌ی «آموزشی» را در دو جمله زیر با هم مقایسه می‌کنیم:

۱- این فیلم جنبه‌ی آموزشی ندارد.
 ۲- آموزشی چی داری؟

در جمله‌ی شماره (۱) واژه‌ی آموزشی معنای معمولی و رایج خود را دارد که هر زبانمند فارسی آن را به خوبی متوجه می‌شود اما همان واژه در جمله دوم از نوع بافتی است و معنی فیلم ضد اخلاقی می‌دهد. این تغییر

پسی را بگوید، بالبداهه می‌گوید: «گار سون دو تا سنیه بده» در این جا مقوله‌ی دستوری از صفت به اسم تغییر کرده است. این گروه از واژگان دارای نشانه و رابط معنایی هستند ولی با توجه به مدل نام گذاری فاقد پایه اند.

ج: واژگان بافتی بسیط

برخی از واژگان بافتی که در فهرست داده‌ها ذکر گردید با وجودی که قبلاً در مفهومی دیگر در زبان به کار می‌رفته‌اند، در بافت جدید با حفظ مقوله‌ی دستوری در معنایی متفاوت از معنای اولیه به کار گرفته شده‌اند. عمده‌ی این واژگان عبارت‌اند از: «ساند ویچ، کمپوت، کویر و اند». در این واژگان، همانند واژگان گروه «ب» پایه وجود ندارد تنها نشانه و رابطه‌ی نام گذاری مشهود است. در حقیقت در این دو گروه از واژگان، پایه نام گذاری تهی است.

د: واژگان بافتی مرکب

با بسط نظریه‌ی نام گذاری اشتقاقی از کلمات مشتق، به کلمات مرکب، صورت‌های بافتی «نخود مغز»، «فلز خراب»، «تریپ خفن»، «جواد مخفی»، «آچار فرانسه» و «پژو حسرتی» که فاقد پایه‌ی نام گذاری، یعنی وند تعیین مقول، دستوری، هستند اما دارای فاکتور مهم نشانه‌ی نام گذاری‌اند، نیز گنجانده شده‌اند. این صورت‌ها به جز «آچار فرانسه» تنها معنا و مفهوم است ماری دارند که معنی آن‌ها در جدول آمده است اما ترکیب آچار فرانسه به عنوان بافتی در معنایی کاملاً متفاوت از معنی ظاهری آن که ابزار مک‌انیکی است به کار می‌رود.

ه: واژگان بسیط مرکب که کل یا جزئی از آن کاملاً ابتکاری ساخته شده است.

در میان واژگان بافتی و خلق الساعه به صورت‌هایی برخورد می‌کنیم که تمام یا جزئی از آن کاملاً جدید بوده و قبلاً در زبان موجود نبوده است. این دسته از واژگان تنها

در معنای بافتی که در جدول آمده کاربرد دارند و بر اساس مدل نام گذاری فاقد پایه هستند و تنها دارای نشانه‌اند. عمده‌ی این واژگان عبارت‌اند از: «بریسف»، «خرمچک»، «خفن»، «زغوتندر»، «زاغارت»، «ضابلو»، «شوت»، «جوات»، «تیش» «جینگلی متان» و «بئو گلابی». همان طور که مشاهده می‌شود برخی از واژگان در ترکیب خود از واژه‌ی قرضی استفاده کرده‌اند و در معنایی غیر از آن چه در زبان اصلی داشته‌اند مورد استفاده زبانشناسان قرار گرفته‌اند مانند: واژه «بریف» که در زبان انگلیسی به معنای «خلاصه و مختصر» است اما در زبان فارسی به معنای «بدون مشکل و آماده» به کار می‌رود.

صورت‌های بافتی جمله‌ای

جدا از داده‌های فهرست شده در جدول

فوق، اغلب به جملاتی برمی‌خوریم که ویژگی‌های صورت‌های یافتی را دارا هستند. مهم‌ترین این صورت‌ها به شرح زیر است:

۱- «لیستم پره»، در مفهوم «وقت ندارم» که در آن از واژه‌ی قرضی list استفاده شده است.

۲- «به عرش ای میل می‌زنه»، به معنای قرآن یا نماز خواندن و با خدا ارتباط داشتن است که در این صورت زبانی هم از واژه‌ی قرضی email استفاده شده است.

۳- «تخت گاز میره»، به معنای بسیار تند رانندگی کردن که اصطلاحی است رایج میان مکانیک‌ها و هم چنین سایر اقشار جامعه.

۴- «خودشو به کوچه علی چپ می‌زنه»، به معنای کسی که موضوعی از منظور اصلی منحرف می‌کند.

منابع فارسی برای مطالعه‌ی بیشتر

- ۱- امانووا، فیروزه (۱۳۷۲)، سخنی چند درباره‌ی مطالعه اتوماسلوژیک واژه‌سازی در زبان فارسی، مجله‌ی زبان‌شناسی، پاییز و زمستان.
- ۲- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۶)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- ۳- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی، در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم (صص ۲۲۲-۲۳۰)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- بهشتی، علاءالدین (۱۳۵۵)، ساختمان واژه زبان فارسی امروز، چاپ‌خانه پیروز، شماره‌ی ثبت کتاب‌خانه‌ی ملی ۱۲۴۵.
- ۵- حسایی، محمود (۱۳۷۴)، توانایی زبان فارسی در معادل‌سازی، مجله‌ی طلایه، مهر و آبان ۷۴، (صص ۱۱-۷).
- ۶- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۹)، واژه‌سازی دورن متن، یک علاج قطعی، نشر دانش، بهار ۱۳۷۹ (صص ۳۱-۲۷).
- ۷- رایینز، آر. اچ. (۱۳۷۱)، تاریخ مختصر زبان فارسی، ترجمه‌ی علی محمد حق‌شناس، تهران، انتشارات راهنما.
- ۸- سامعی، حسین (۱۳۷۵)، واژه‌سازی در زبان فارسی، پایان‌نامه برای اخذ درجه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی.
- ۹- سینتا، ساسان (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۰- سمائی، مهدی (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات زبان مخفی، تهران، نشر مرکز...
- ۱۱- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۷۶)، فعل بسیط و واژه‌سازی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی...
- ۱۲- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۷۱)، اسم و صفت مرکب در زبان فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۳- صادقی، علی اشرف (۱۳۷۱)، شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی، در نشر دانش، مهر و آبان (صص ۲۳-۱۹).
- ۱۴- صفوی، کوروش (۱۳۸۲)، از شنیدن «خفن» فشار خونم بالا نمی‌رود، مجله‌ی چلچراغ سال دوم شماره ۷۳.
- ۱۵- کشتانی، خسرو (۱۳۷۱)، اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶- کلیاسی، ایران (۱۳۷۱)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۷- مشکوة الدین، مهدی (۱۳۷۶)، «خفن» زبان‌شناسی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.